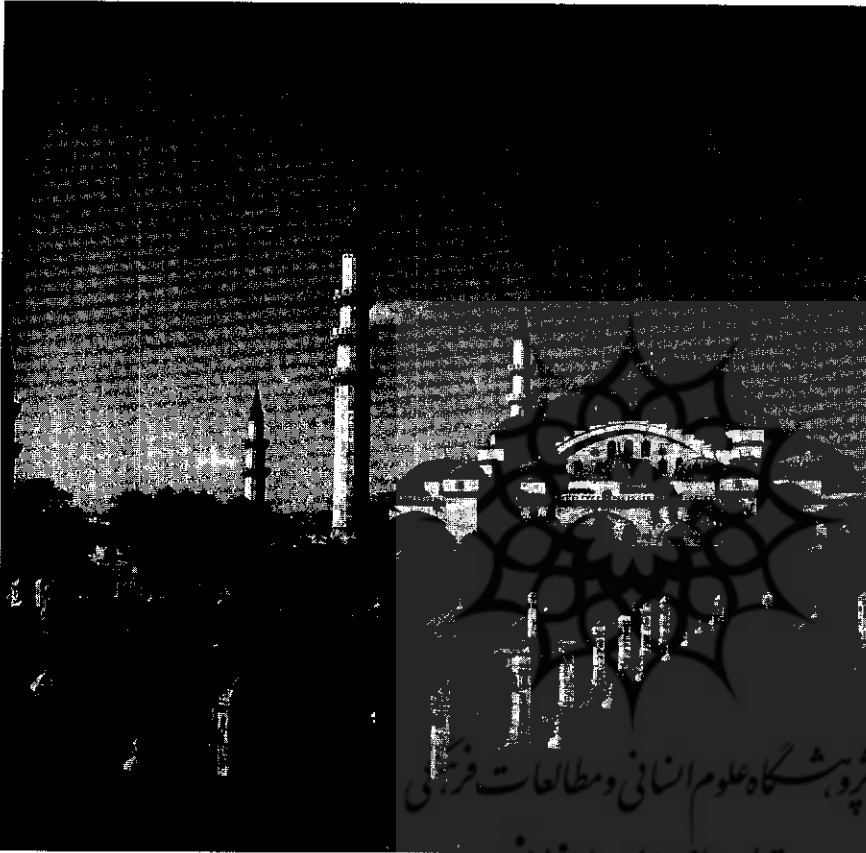


# ایرانیان استانبول

استانبول - مسجد سلیمانیه



○ کیومرث قرقلو

○ ایرانیان استانبول

○ زیر نظر: تیئری زرکن و فریبا

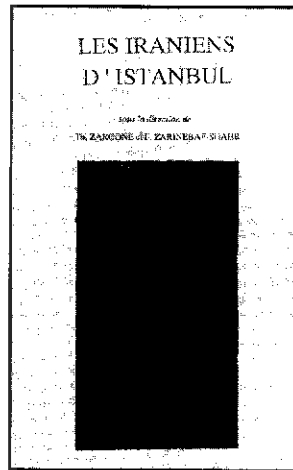
زرین یاف شهر

○ ناشر: انجمن ایرانشناسی

فرانسه در ایران و انجمن فرانسوی

مطالعات آسیای صغیر، پاریس - تهران -

استانبول، ۱۳۷۳



Les Iraniens D Istanbul, sous la direction de Th. Zarcone et F. Zariabaf, Institut Francais de recherches en Iran, Institut Francais d etudes anatoliennes, Paris - Tehran - Istanbul, 1993.

در نوشته پیش رو، سعی می‌شود کتابی که با عنوان ایرانیان استانبول توسط انجمن ایرانشناسی فرانسه با همکاری انجمن فرانسوی مطالعات آسیای صغیر تدوین و چاپ شده است، به اجمال مرور و معرفی گردد.

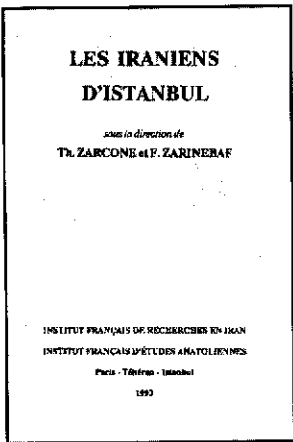
این کتاب، در واقع، مجموعه مقالاتی است که طی نشست علمی-تخصصی گروهی از آگاهان به تاریخ معاصر ایران و ترکیه ارائه شده است. این نشست بین‌المللی به کوشش انجمن فرانسوی مطالعات آسیای صغیر (استانبول) و انجمن ایرانشناسی فرانسه (تهران)، از دوم تا چهارم سپتامبر ۱۹۹۱، در شهر استانبول برگزار شد. از جمله کسانی که در برگزاری این رویداد علمی مشارکت داشتند می‌توان از ژان لویی باکه گراهن، مدیر سابق انجمن

اندیشه و زاویه دید تازه‌ای بود که طی مدت نسبتاً کوتاهی جامعه ایرانی را دستخوش دگرگونی‌های حاد و سریع کرد و هنوز هم دست‌اندرکار دگرگونی‌های اجتماعی دیگری است. در واقع، ایرانیان استانبول نقش انکارناپذیری در انتقال آن‌چه که «تجدد» خوانده می‌شود، ایفا کرده‌اند. از سوی دیگر، در تحلیل و فهم تعاملات و اثرپذیری‌های دو سویه مردم این دو کشور نباید از نفوذ و اثرگذاری عوامل خارجی غفلت کرد. ایرانیان استانبول را از این حیث که کوشیده است این هر دو جنبه را، ولو به صورت کمابیش ناهماهنگ، مد نظر قرار دهد می‌توان اثر منحصر بفردی تلقی کرد که قابلیت برانگیختن پرسش‌ها و چند و چون‌های تازه را دارد.

از دید بسیاری از روشنفکران، علما، و نیز تبعیدیان و تجار ایرانی، استانبول شهری بسیار جذاب و تماشایی بود. تاریخ و جغرافیا دست به دست هم دادند تا از استانبول موزه‌ای بزرگ و سرشار از سنت‌های زنده اسلامی و غربی بسازند. استانبول به‌ویژه از دریچه نگاه شمار زیادی از

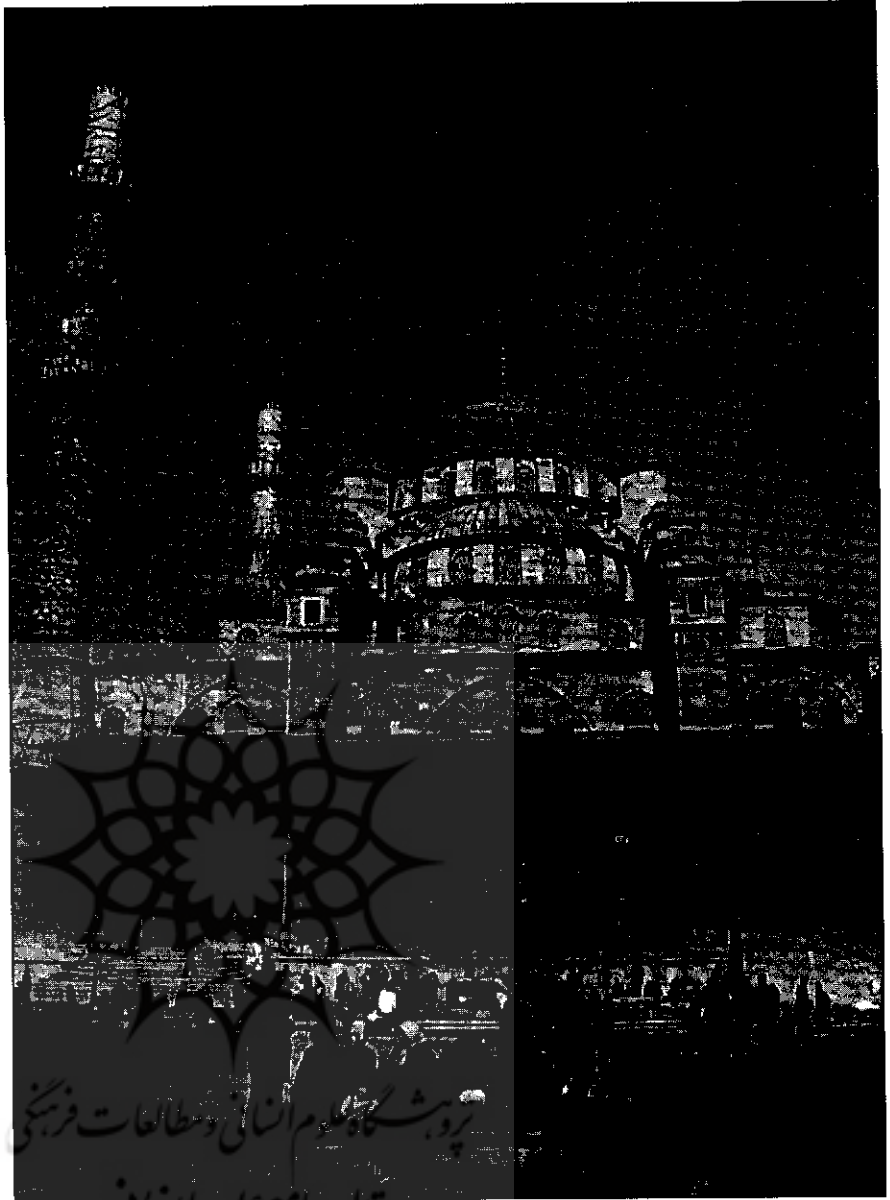
فرانسوی مطالعات آسیای صغیر، برنار اورکاره، مدیر انجمن ایرانشناسی فرانسه، ژاک توبی، مدیر جدید انجمن فرانسوی مطالعات آسیای صغیر، یان ریشار، از پژوهشگران سرشناس تاریخ معاصر ایران نام برد.

بررسی و تحلیل تکاپوهای جامعه ایرانیان مقیم استانبول در اواخر سده نوزده و اوایل سده بیستم میلادی، ما را به تودرتوی کلاف پیچیده مسائل تاریخ روابط بین‌الملل، در دوره‌ای مملو از ناآرامی و دگرگونی، می‌کشاند. بررسی تاریخ روابط ایران و عثمانی، مستلزم تحلیل و درک تاریخ این دو کشور در عصر انقلاب‌های مشروطه‌خواهانه و در چارچوب سیطره قدرت‌های امپریالیستی اروپا بر جهان خواهد بود. وانگهی، خواننده ایرانی با پیگیری تماس‌های اجتماعی - سیاسی این دو کشور در دوره معاصر، می‌تواند حلقه مفقوده‌ای را کشف کند که بدون شک در زوایای رویدادهای سرنوشت‌ساز کشور خود، طی سال‌های قبل و بعد از انقلاب مشروطیت، نقش مهمی ایفا کرده است. این حلقه مفقوده، چند و چون ورود



خواننده ایرانی با پیگیری تماس‌های اجتماعی - سیاسی این دو کشور (ایران و عثمانی) در دوره معاصر، می‌تواند حلقه مفقوده‌ای را کشف کند که بدون شک در زوایای رویدادهای سرنوشت‌ساز کشور خود، طی سال‌های قبل و بعد از انقلاب مشروطه، نقش مهمی ایفا کرده است. این حلقه مفقوده، چند و چون ورود اندیشه و زاویه دید تازه‌ای بود که طی مدت نسبتاً کوتاهی جامعه ایرانی را دستخوش دگرگونی‌های حاد و سریع کرد

مسجد سلطان ولید - استانبول



دولت رد و بدل می‌شد، به عینه دید؛<sup>۲</sup> معاهدات و امتیازاتی که اگر در موارد معدودی متضمن سودی برای عثمانی بود، برای ایران جز زیان نتیجه دیگری نداشت؛<sup>۳</sup> از دید ایرانیان استانبول، شاهان قاجار با خدمت به بیگانگان کلیه منابع کشور را به آنها فروخته بودند.

استانبول، در آن دوره، بستر بسیار مناسبی نیز برای آشنایی و اقتباس اندیشه‌ها و آرمان‌های جدید محسوب می‌شد. این امر به نخبگان ایرانی امکان داد آمال سیاسی خود را به شیوه‌ای مؤثر و بدیع مدن و قاعده‌مند سازند. مطبوعات فارسی زبان استانبول، کمابیش فارغ از محدودیت‌های شداد و غلاظت حاکم بر ایران، می‌توانستند زمینه را برای انعکاس بیم و امیدهای ایرانیان خارج از کشور فراهم کنند؛ ایرانیانی که در درجه اول در پی اصلاح امور جوامع اسلامی و سپس دبسته برقراری آزادی و قانون در کشور خود بودند.<sup>۴</sup> مطبوعات فارسی‌زبان خارج از کشور، وظیفه انعکاس اخبار مربوط به ایران را به عهده گرفتند و در این راه از چنان مقبولیتی در میان ایرانیان داخل کشور

گونه‌ای فراگیر سیاسی شد. اکنون، بر حسب مقتضیات زمان، ایرانیان ساکن غربت بی‌آن که خود متوجه باشند، به عناصر جنبشی بدل شده بودند که در شکل و سمت و سو دلن به حوادث آتی ایران نقش مهمی ایفا کرد. شاید بتوان میان سیاست و فرهنگ پلی زد و به این ترتیب، نموده‌های این جنبش را در تولیدات فرهنگی ایرانیان استانبول جستجو کرد؛ بدون تردید، روزنامه مشهور «اختر» و ترجمه کتاب پرآوازه و شایان توجه سرگذشت حاجی بابای اصفهانی توسط میرزا حبیب اصفهانی (دستان) را می‌توان به عنوان دو نمونه شناخته شده از طراوت و توانمندی جنبش ایرانیان استانبول قلمداد نمود. این تحولات مقارن بود با روی آوردن حکومت قاجار به سرکوب خواسته‌های نخبگان و همکاری بی‌سابقه آن با قدرتهای غربی. مداخله اقتصادی قدرتهای اروپایی در ایران و امپراتوری عثمانی در سال‌های پایانی سده نوزده شدت و حدت بیشتری یافته بود. رد پای این مداخله‌جویی‌ها را می‌توان از لایلای معاهدات تجاری و امتیازاتی که میان قدرتها و این دو

بازرگانان ایرانی ساکن آن پنجره‌ای گشوده به سوی اروپا تلقی می‌شد. اکثر آنها، بویژه تجار آذربایجانی و ترک زبان، در این شهر از آزادی کامل تجارت و دادوستد برخوردار بودند؛ و بسیاری از آنها، در فرصت‌های مناسب، به تابعیت عثمانی نیز درآمدند و ظرف مدت کوتاهی کاملاً جذب جامعه ترک این کشور شدند. با این همه، نباید از یادبرد که بسیاری از ایرانیان مقیم استانبول به فقر و محرومیت مبتلا بودند؛ فقر و محرومیتی که یکی از علل اصلی آن ورشکستگی و سوءاستفاده‌های مالی مقامات محلی بود. عده زیادی از ایرانیان نیز، با وجود مشکلات حاد مالی و جانی، از همان استانبول پیوندهای خود را با موطن پدری - ایران یا آذربایجان - نگسستند تا در میان مردمانی بیگانه از رنج غربت بکاهند و دلیلی برای ماندن بیابند؛ آنها در بسیاری از رویدادهای سیاسی‌ای که به وقوع انقلاب مشروطیت انجامید حضوری غیرقابل انکار داشتند. با ورود تمیذیان و پناهندگان سیاسی از ایران، جامعه ایرانیان مقیم استانبول در آخرین سالهای سده نوزده به

**این کتاب در واقع مجموعه مقالاتی است که طی نشست علمی - تخصصی گروهی از آگاهان به تاریخ معاصر ایران و ترکیه ارائه شده است**

**ایرانیان استانبول نقش انکارناپذیری در انتقال آنچه که «تجدد» خوانده می شود، به ایران ایفا کرده اند**

**با ورود تبعیدیان و پناهندگان سیاسی از ایران، جامعه ایرانیان مقیم استانبول در آخرین سال های سده نوزدهم میلادی به گونه ای فراگیر سیاسی شد**

**بر حسب مقتضیات زمان، ایرانیان ساکن غربت عثمانی (ترکیه بعدی) بی آن که خود متوجه باشند، به عناصر جنبشی بدل شدند که در شکل و سمت و سواددن به حوادث آتی ایران نقش مهمی ایفا کردند**



اوضاع سفارت ایران از عهد نادرشاه افشار تا دوران خدمت نگارنده اثر، و به مدد تصاویری گویا از تکاپوهای یک دیپلمات کهنه کار ایرانی ما را به بطن رویدادهای زشت و زیبایی می کشاند که ایرانیان فراموش شده مقیم استانبول با آنها دست به گریبان بودند.

در کتاب استادی از فعالیت های آزادی خواهان ایران در اروپا و استانبول در سالهای ۱۳۲۶ - ۱۳۲۸ قمری که به همت استاد ایرج افشار به چاپ رسیده و حاوی ۲۴۰ سند بسیار مهم و مقدمه ای روشنگر به قلم مصطفی اثر است، می توان به مدارک دست اولی از حضور و وضعیت دیپلماتیک و تجاری ایرانیان در استانبول دسترسی یافت. یک اثر تحقیقی، مهم و بسیار آگاهی بخش درباره ایرانیان استانبول که اتفاقاً به فاصله کوتاهی پس از ایرانیان استانبول نگارش یافته، کتاب ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم است که توسط رحیم رئیس نیا، در ۳ مجلد، پدید آمده است. مجلدات اول و دوم این اثر به ایرانیان استانبول و تعاملات این دو جامعه اختصاص یافته، و در جلد

برخوردار شدند که هر ورق آنها همچون «کاغذ زر» دست بدست می گشت و با شور و حرارتی بی سابقه خوانده می شد.<sup>۵</sup> خلاصه این که، استانبول به وسیله انتقال افکار جدید به ایران به کعبه آمال جوانان بلندپروازی بدل شده بود که سودای برپایی آزادی، قانون و تجدد را در سر می پروراندند.<sup>۶</sup> یک بعد پنهان و البته حائز اهمیت حضور ایرانیان در کشور عثمانی، بویژه شهر استانبول، تأثیرپذیری جامعه عثمانی از این میهمانان بود؛ ایرانی ها، به عنوان جامعه ای مهاجر، در کشور میزبان دستاوردهای چشمگیری کسب کرده بودند. آنها توانسته بودند مساجد، گورستان ها، قهوه خانه ها، کاروانسراها، و در شکل جدیدتر «مدارس» و «انجمن» های خاص خود را بوجود آورند؛ موفق شده بودند به عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار در جامعه میزبان نفوذ کنند؛ و در نهایت، با بهره بردن از حال و هوای جدید، تجارب فرهنگی و اجتماعی تازه ای را بیازمایند. خلاصه این که، ایرانی های استانبول ضمن برخورداری از امتیازات منحصر به فرد دیپلماتیک،<sup>۷</sup> از چنان منزلت اجتماعی ای برخوردار بودند که به جرأت می توان جامعه بیگانه دیگری را همتای آنان دانست.

برای دریافت بهتر و بررسی عمیق تر ابعاد حضور ایرانیان در استانبول، منابع آرشیه های عثمانی، مطبوعات فارسی چاپ استانبول، گزارش های کنسولگری اروپایی، اسناد آرشیه های خانوادگی، و منابع دیپلماتیک ایرانی می توانند منابع سرشار از اطلاعاتی بس متنوع، که کمتر مورد استفاده قرار گرفته اند، محسوب شوند. در هر حال، تک نگاری ایرانیان استانبول به سان منشوری می ماند که می توان با دقت در آن پرتوهایی رنگارنگ و جالب از نقش و تکاپوهای یک جامعه مهاجر زنده و سیال بوجود آورد و در چشم و ذهن پروراند.

درباره «ایرانیان استانبول» نوشته های ناچیزی به زبان فارسی هست؛ و این شمار ناچیز نیز در پس گردوغبار چرخهای پرشتاب و بیرحم زمان به فراموشی سپرده شده اند.

یکی از اولین آثار مکتوب در مورد ایرانیان استانبول سفرنامه حاجی محمدعلی پیرزاده (۱۳۰۳ - ۱۳۰۶) است که خواننده می تواند در یکی از فصول آن از گزارشی کوتاه در مورد شهر استانبول، از وضعیت ایرانیان مقیم آنجا و محافل دیپلماتیک ایرانی اواخر سده نوزدهم مطلع شود.

اثر مهم دیگر یادبودهای سفارت استانبول نوشته احمدخان ملک ساسانی است که با گزارشی ملموس از

سوم علاوه بر ارائه ترجمه ای از کتاب حائز اهمیت ترکان جوان؛ پیشی درآمد انقلاب ۱۹۰۸ ترکیه، نوشته ارنست رامسور<sup>۸</sup> به معرفی چهره ها و جریان های مهم فکری و ادبی کشور ترکیه در آستانه قرن بیستم پرداخته شده است. آن چه بر اعتبار و ارزش این تک نگاری حجیم و گاه فاقد نظم می افزاید اشرف مؤلف بر منابع و تحقیقات صورت گرفته در زبان های ترکی و روسی می باشد.

در سایر حوزه های زبانی نیز می توان اثری در مورد ایرانیان استانبول یافت. در مقاله ای از پیتر چلوفسکی زیر عنوان «ارتباط ادوار براون با زبان ترکی و ترک ها» که در مجله مدرسه مطالعات خاوری و آفریقایی لندن به چاپ رسیده، می توان از جو فرهنگی جامعه ترکیه و نقش ایرانیان ساکن استانبول در آشنایی عمیق تر یک مستشرق اروپایی با ایران آگاه شد.<sup>۹</sup> مقاله ای نیز زیر عنوان «زمینه های نهضت مشروطیت در آذربایجان» در مجله خاورمیانه به چاپ رسیده که در واقع خلاصه ای است از نطق سیدحسین تقی زاده در کتابخانه ملی تبریز در سال ۱۹۵۹ / ۱۳۳۸ خورشیدی.<sup>۱۰</sup> یک رساله دکترا نیز از سکینه برنجیان به زبان انگلیسی منتشر شده که عنوان آن آثار ادبی آذری و فارسی در آذربایجان ایران در سده بیستم میلادی می باشد و عمدتاً به بعد ادبی تعاملات فرهنگی میان ایران، آذربایجان و عثمانی اختصاص دارد.<sup>۱۱</sup> مجموعه مقالاتی نیز به زبان های آذری و روسی در آذربایجان شوروی سابق منتشر شده است که مباحث آن روابط ایران و آذربایجان را در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیست میلادی دربر می گیرد.<sup>۱۲</sup>

در یکی از پایان نامه های دوره کارشناسی ارشد دانشگاه اوترخت هلند نیز به بررسی روابط تجار و روشنفکران ایرانی مقیم قاهره و استانبول پرداخته شده است؛ عنوان این رساله مطبوعات ایرانی مصر (۱۸۹۲ - ۱۹۱۰) می باشد.<sup>۱۳</sup> نویسنده این رساله خانم آنیا لوزینک، از جمله نویسندگانی است که مقاله ای برای مجموعه مقالات روسی و آذری در مورد روابط ایران و آذربایجان در دوران معاصر، که در فوق به آن اشاره شد، به نگارش درآورده بود. نویسنده دیگری نیز به نام آنیا پیستور حاتم که قبلاً در مجموعه مقالات مذکور در مورد اختر نوشته بود، کتابی را به زبان آلمانی، با عنوان ایران و اصلاح طلبی در امپراتوری عثمانی، به موضوع مناسبات این دو کشور اختصاص داده است.<sup>۱۴</sup>

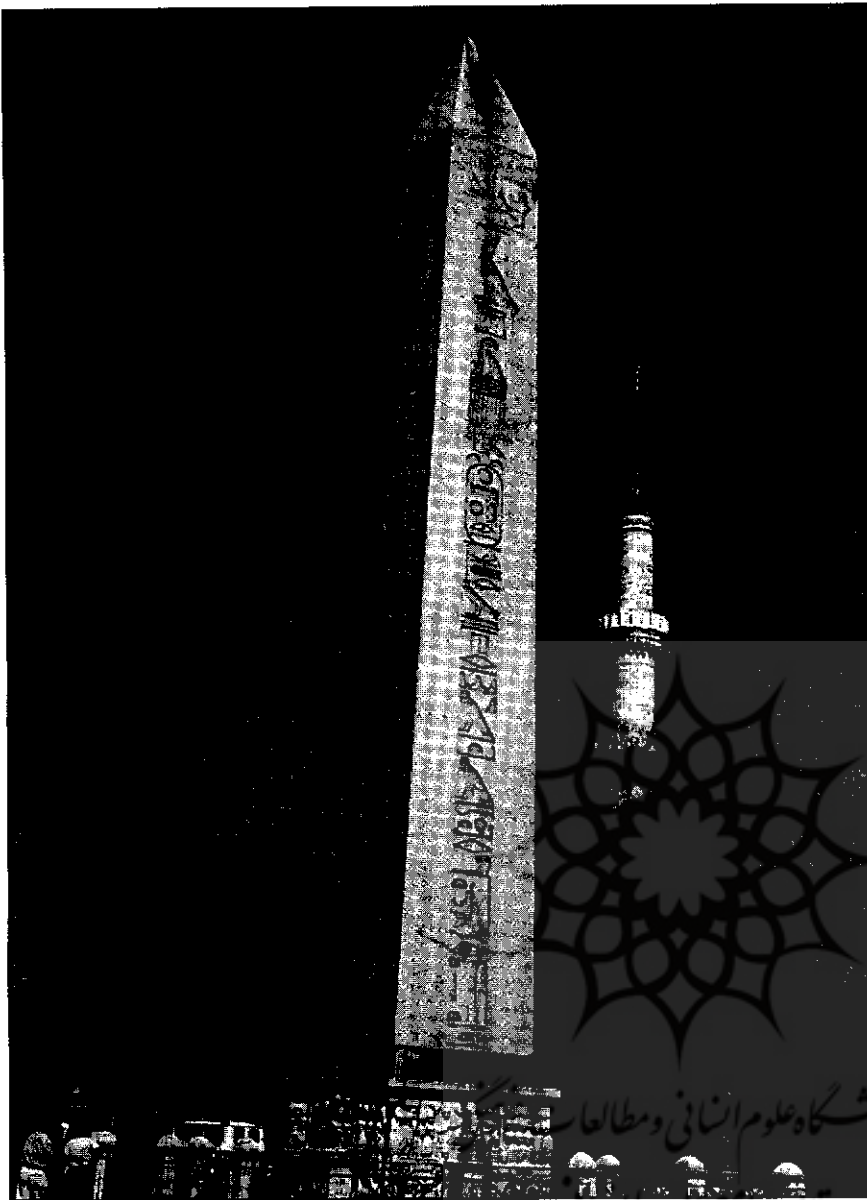
تک نگاری ایرانیان استانبول که شامل بیست و دو

یادمانی از فرعون توتمس سوم  
(حدود ۱۴۹۰ ق. م) که شرح  
پیروزی او در بین‌النهرین است و در  
قرن چهارم میلادی توسط  
بیزانسی‌ها به استانبول  
منتقل شده است.

ایرانی‌ها به عنوان جامعه‌ای مهاجر، در  
کشور میزبان دستاوردهای چشمگیری  
کسب کرده بودند. آنها توانسته بودند  
مساجد، گورستان‌ها، قهوه‌خانه‌ها،  
کاروانسراها، و در شکل جدیدتر، مدارس  
و «انجمن‌های خاص خود را به وجود  
آورند

مقاله در چهار حوزه سیاست، دین، اجتماع و فرهنگ و  
اقتصاد می‌شود زیر نظر تئوری زرکن و فریبا زرین‌باف شهر  
مدون شده است. تئوری زرکن، در حوزه تاریخ عقاید فلسفی  
پژوهش می‌کند و از اعضای مرکز ملی پژوهش‌های علمی  
فرانسه (CNRS) می‌باشد؛ او کتابی نیز تحت عنوان  
عرفا، فلاسفه و فراماسون‌های مسلمان در سال ۱۹۹۳ به  
چاپ رسانده است.<sup>۱۶</sup> خانم فریبا زرین‌باف شهر، دارای  
دکترای تاریخ از دانشگاه شیکاگو است و به عنوان  
پژوهشیار در همان دانشگاه فعالیت علمی - پژوهشی  
می‌کند.

نخستین مقاله، نوشته جمشید بهنام - «نقش ایرانیان  
استانبول در روند نوسازی ایران»<sup>۱۷</sup> - ما را از دید جامعه‌شناسی  
که بر فراز رویدادها ایستاده، به کشف اهمیت ایرانیان



ویژگی‌های خاص و گاه منحصر به فرد این روابط آشنا  
می‌شویم. یکی از این ویژگی‌ها انتصاب افراد غیرایرانی و  
غیرمسلمان به مقام کنسول دولت شاهنشاهی ایران بوده  
است. در پیوست این مقاله فهرست کاملی از کنسول‌ها و  
نایب کنسول‌های ایران در استانبول و سایر ایالات  
امپراتوری عثمانی، از فلسطین تا حجاز، ارائه شده است.  
در مقاله‌ای دیگر که باز هم در پیوند با نمایندگان  
سیاسی ایران در عثمانی است، با یک بعد مهم از تکاپوهای  
دیپلمات‌های ایرانی آشنا می‌شویم. تکاپوهایی که در شکل  
و سمت و سو دادن به حوادث آتی تاریخ ایران نقش مهمی  
ایفا کرد. حامد الگار در مقاله خود - «شرکت نمایندگان  
سیاسی ایران در لژهای فراماسونری استانبول» - از  
مقوله‌ای دشوار و دیرباف پرده برمی‌دارد.<sup>۱۸</sup> او در این نوشته،  
به چند و چون حضور دیپلمات‌های ایرانی در لژهای  
فراماسونری استانبول، روابط آنها با رهبران تنظیمات  
خبریه، بویژه فواد پاشا و عالی‌پاشا، پرداخته و از  
فراماسونگری این دیپلمات‌ها به عنوان «شبکه دیپلماتیک»

استانبول فرا می‌خواند. نویسنده پایتخت امپراتوری عثمانی  
را به مثابه «واسطه‌المقد» اروپا و ایران تلقی می‌کند و  
سوالاتی پیرامون ویژگی‌های انتقال تجدد غربی به  
جهان اسلام طرح می‌نماید.

پژوهش یوهان اشتراوس - «حضور  
سیاسی ایرانیان در استانبول و دیگر نقاط  
امپراتوری عثمانی»<sup>۱۹</sup> ما را به زوایای  
تاریک اما مهم روابط دیپلماتیک  
ایران و عثمانی می‌برد؛ حوزه  
تاریخی این مقاله به سال‌های  
۱۸۴۰ میلادی تا ۱۹۰۸ میلادی  
مربوط می‌شود. در بخش اول  
مقاله به واژگان دیپلماتیک مشترک  
و رایج ایران و عثمانی پرداخته شده  
و در بخش‌های بعدی ضمن ارائه  
گزارش مشروح و روشنگری از ادوار  
فعالیت کنسول‌های ایرانی در استانبول، با

### «کتاب ایرانیان استانبول»

که شامل بیست و دو مقاله در

چهار حوزه سیاست، دین، اجتماع و

فرهنگ، و اقتصاد می‌شود زیر نظر تئوری

زرکن و فریبا زرین‌باف شهر مدون شده است.  
تئوری زرکن در حوزه تاریخ عقاید فلسفی پژوهش

می‌کند و از اعضای مرکز ملی پژوهش‌های علمی

فرانسه (GNRS) می‌باشد. خانم فریبا زرین‌باف

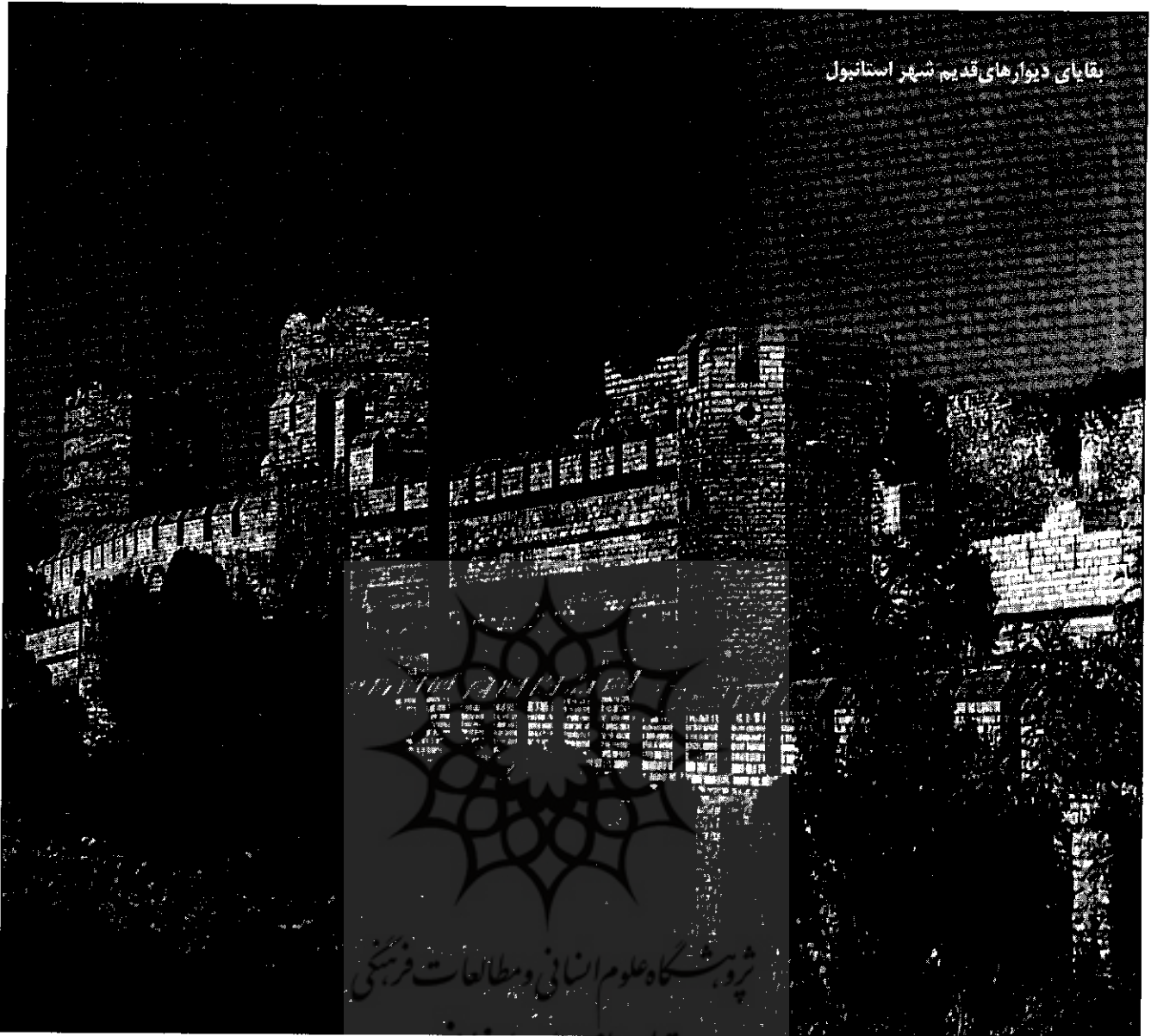
شهر نیز دارای دکترای تاریخ از دانشگاه

شیکاگو است و به عنوان پژوهشیار در

همان دانشگاه فعالیت علمی -

پژوهش می‌کند

## بقایای دیوارهای قدیم شهر استانبول



لزهای فراماسونری استانبول یاد کرده است.

خانم هما ناطق با ارائه مقاله‌ای در مورد ابعاد سیاسی فعالیت‌های ایرانیان استانبول - «میرزا آقاخان، سید جمال‌الدین و ملک‌خان در استانبول (۱۸۶۰-۱۸۹۷)»<sup>۲۳</sup> - در این همایش حضور یافت. وی با استناد به مدارک جدید، کوشیده است از کلاف پیچیده روابط اصلاح‌طلبان مشهور ایرانی، میرزا آقاخان کرمانی، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و ملک‌خان ارمنی، با تجار ایرانی استانبول و محافل ترکان جوان در این شهر گرهی بگشاید.<sup>۲۴</sup>

نگرش ترکان به حوادث ایران نیز موضوعی است که مورد توجه فاروق بیلیکی و فرانسوا ژورژن قرار گرفته است. فاروق بیلیکی در مقاله خود - «تصویر ایران در دو روزنامه دوران عثمانی «بیان‌الحق» و «طنین» (۱۹۰۸ - ۱۹۱۲)»<sup>۲۵</sup> - به بررسی و تحلیل گرایش همدلانه آزادی‌خواهان و علمای ترک نسبت به مشروطه‌خواهان ایرانی و تقبیح استبداد قاجار از سوی آنها می‌پردازد. فرانسوا ژورژن نیز به مطالعه موردی دیدگاه‌ها و حساسیت‌های یک

روشنفکر مشهور آذربایجانی، احمدآقا اوغلو (آقایف)<sup>۲۶</sup>، در قبال مسائل ایران پرداخته است: «ایران از دیدگاه یک روشنفکر ترک در اوایل قرن بیستم».<sup>۲۷</sup>

در آخرین پژوهش مربوط به بعد سیاسی حضور ایرانیان در استانبول - «انجمن سعادت» ایرانیان استانبول<sup>۲۸</sup> - حجت‌الله جودگی به استناد مدارک منتشر شده توسط ایرج افشار به بررسی و ارائه گزارشی از تکاپوهای این انجمن سیاسی ایرانیان مقیم استانبول پرداخته است.

در حوزه ابعاد مذهبی حضور ایرانیان در استانبول دو مقاله به طور کامل به تکاپوها و مراسم مذهبی ایرانیان شیعه مذهب در پایتخت خلافت عثمانی اختصاص یافته است. تئوری زرکن در تحقیق خود - «وضعیت مذهب شیعه در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم میلادی»<sup>۲۹</sup> به تعیین وضعیت تشیع در استانبول (مساجد، مراسم مذهبی، سازمان‌های خیریه و وقف شیعیان) و نحوه برخورد تشیع و تسنن در امپراتوری عثمانی پرداخته است.

در دومین مقاله - «عزاداری محرم در استانبول در

اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم میلادی»<sup>۳۰</sup> - خانم اریکا گلاسن چگونگی سازماندهی و برگزاری عزاداری ماه محرم را در پایتخت تسنن و اقامتگاه خلیفه مورد کندوکاو قرار داده است.

گریستف بالایی، یکی از پژوهشگران برجسته در حوزه ادبیات معاصر فارسی، در نوشته خود - «ادبیات فارسی در میان ایرانیان دور از وطن: استانبول (۱۸۶۵ - ۱۸۹۵)»<sup>۳۱</sup> - خواننده را با نوشته‌های سه چهره مهم ادبیات فارسی و تاریخ اصلاح‌طلبی ایران یعنی میرزا حبیب اصفهانی، میرزا آقاخان کرمانی و زین‌العابدین مراغه‌ای آشنا می‌کند.

جیان رویرتو اسکارسیا نیز در مقاله‌ای دیگر برداشت‌های شخصی خود را در مورد کتاب حاجی بابای اصفهانی نوشته جیمز موریه و ترجمه منحصر بفرد میرزا حبیب اصفهانی با خواننده در میان می‌نهد - «ملاک انتخاب کتاب «حاجی بابا» برای ترجمه»<sup>۳۲</sup> -

جان گرمنی در مقاله روشن و شیوای خود - «ادوارد براون و جامعه ایرانی استانبول»<sup>۳۳</sup> ما را به قلب جامعه ایرانی

برای دریافت بهتر و بررسی عمیق تر ابعاد حضور ایرانیان در استانبول، منابع آرشیوهای عثمانی، مطبوعات فارسی چاپ استانبول، گزارش‌های کنسولگری‌های اروپایی، اسناد آرشیوهای خانوادگی، و منابع دیپلماتیک ایرانی می‌توانند منابع سرشار از اطلاعاتی بس متنوع محسوب شوند مأخذی که کمتر مورد استفاده واقع شده‌اند

در این مجموعه، مقاله‌ای نیز به قلم آنیالونزیک به بررسی وضعیت جامعه ایرانیان قاهره اختصاص یافته است - «وضعیت ایرانیان قاهره در آغاز قرن بیستم»<sup>۳۶</sup>.. شاید این موضوع خارج از حوزه تحقیقات این مجموعه به نظر برسد، اما به واسطه روابط نزدیک ایرانیان استانبول و قاهره و تعاملات این دو جامعه که نمودی از آن را می‌توان در برخی از شماره‌های روزنامه شمس یافت، نمی‌توان از وضعیت ایرانیان قاهره غافل ماند.

در حوزه ابعاد اقتصادی حضور ایرانیان در استانبول که چهارمین بخش این مجموعه را دربر می‌گیرد، می‌توان در مقاله‌ای از فریبا زرین یاف شهر - «نقش جامعه‌ی تجار ایرانی امپراتوری عثمانی در انقلاب مشروطیت»<sup>۳۷</sup> - از شکل‌گیری، اوج و زوال ارتباطات تجاری میان شهرهای تبریز و استانبول، و نیز چگونگی رویکرد تجار ایرانی استانبول به سیاست مطلع شد.

در تحقیقی دیگر از تسومو ساکاموتو - «استانبول و تجارت فرش ایران از سال ۱۸۷۰»<sup>۳۸</sup> - به نقش استانبول در تجارت قالی‌های ایرانی در اواخر سده نوزدهم میلادی توجه شده است.

در بخش مقالات متفرقه، نوشته سنان کونرآلپ به مطالعه موردی چارچوب قانونی و حقوقی حضور تجار ایرانی در استانبول و سایر شهرهای بزرگ عثمانی و تحول این چارچوب اختصاص یافته است - «ماجرای محله تحت‌الکاله»: روابط ایرانیان استانبول و مقامات عثمانی»<sup>۳۹</sup>.. در همین بخش، ترجمه فرانسوی مقاله‌ای از و. آ. گوردلسکی، مستشرق مشهور روس، که در همایش گروه علوم تاریخی و زبان‌شناسی آکادمی شوروی در ۲۵ مه ۱۹۲۷ قرائت شد، به چاپ رسیده است - «ایام محرم در استانبول»<sup>۴۰</sup>.. ترجمه این مقاله علمی توسط لیلیانا مارسل صورت گرفته است.

با این حال، اورهان کول اوغلو در نوشته خود - «اختر روزنامه فارسی زبان استانبول»<sup>۴۱</sup> - بر پایه اسنادی که اخیراً از آرشیوهای سرویس سانسور دولت عثمانی بدست آورده، فرضیه‌های تازه‌ای را در مورد علل ممنوعیت چاپ این روزنامه پیش می‌کشد.

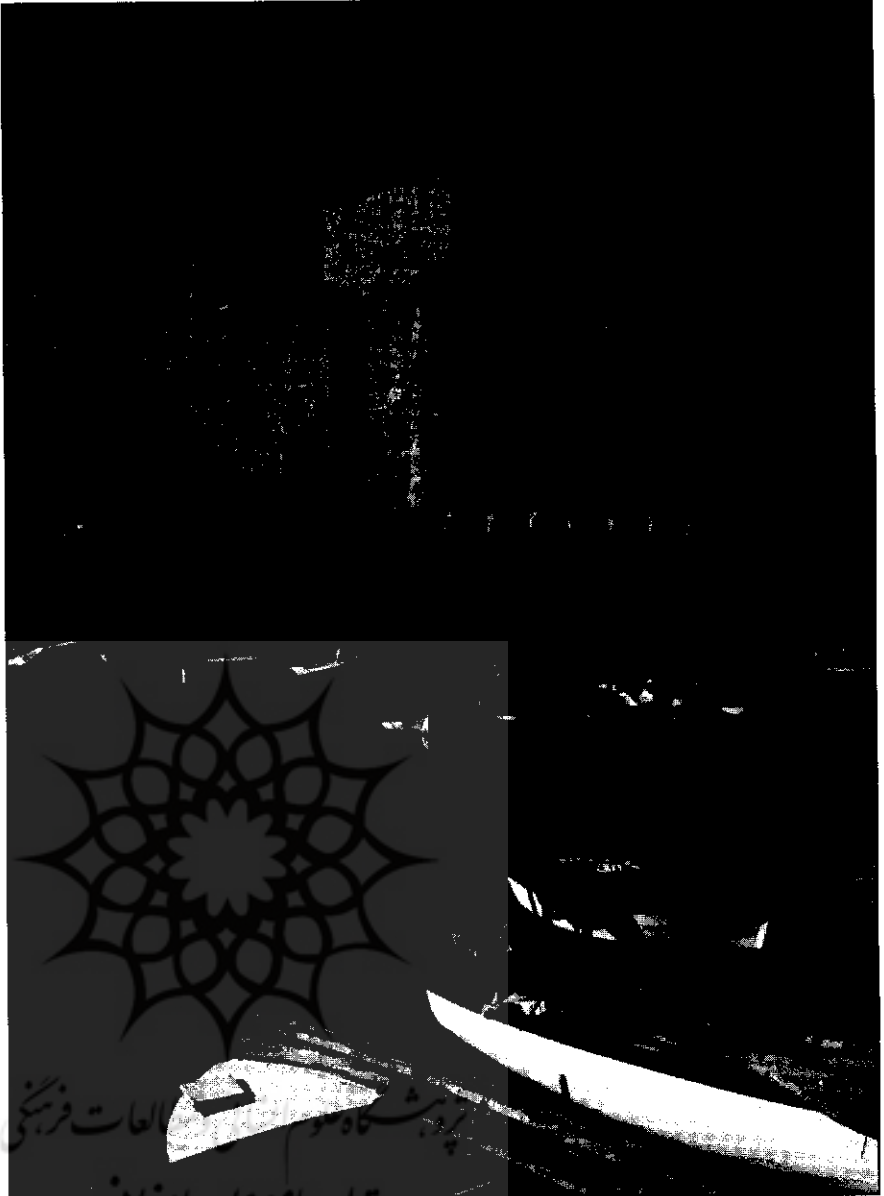
پس از اختر روزنامه‌های دیگری در استانبول به زبان فارسی به چاپ رسید: شمس و سروش. در مورد روزنامه اول در چند مقاله این مجموعه صحبت شده است (مقالات حجت‌الله جودکی، جان گرنی و فریبا زرین یاف شهر)

اما یک مقاله مجزا به تحقیق درباره سروش اختصاص یافته؛ تیئری زرمن در نوشته خود - «علی‌اکبر دهنخدا و روزنامه سروش در استانبول»<sup>۴۲</sup> در این مورد سخن می‌گوید.

ایرانیان استانبول روزنامه‌های دیگری نیز، ولو با اهمیت کمتر، منتشر می‌کردند از این میان می‌توان به روزنامه پارس که توسط خان‌ملک ساسانی اداره می‌شد و روزنامه‌های دانش و آزاد که ناشناخته مانده‌اند اشاره کرد.

استانبول می‌برد و با تکیه بر منارک جدید آرشیوها، از روابط مستشرق بریتانیایی با روشنفکران ترک و ایرانی مقیم این شهر سخن می‌گوید. در این میان، با شخصیت‌های ادبی و سیاسی‌ای همچون حسین دانش روبرو می‌شویم که در تاریخ مشروطیت ترکیه و ایران و نیز در لابلای چهره‌های ادبی ایرانی در استانبول ناشناخته مانده‌اند.

بخشی از مقالات ایرانیان استانبول نیز به مطبوعات فارسی و بررسی نقشی که ارگان‌های مطبوعاتی در سرنوشت سیاسی جامعه ایران ایفا کرده‌اند اختصاص یافته است. از همین رو، و با توجه به جایگاهی که روزنامه اختر در تاریخ معاصر ایران دارد، چندان دور از انتظار نخواهد بود که دو مقاله به همین روزنامه مربوط باشد. آنیا پیستور هاتم در تحقیق خود - «روزنامه فارسی زبان اختر، منعکس‌کننده افکار سیاسی عثمانیان»<sup>۴۳</sup> اصالت عملکردی را که این روزنامه به عنوان معرفی‌کننده افکار دست‌اندرکاران «تنظیمات» دنبال می‌کرد مورد کندوکاو قرار می‌دهد.



بخشی از مجموعه ایرانیان استانبول به ارائه تصاویر و اسناد ناکتون چاپ شده اختصاص یافته است، از جمله تصویری از برگزاری مراسم محرم در والده خانه، کاروانسرای اصلی تجمع ایرانیان، و اسنادی از خانواده فریبا زرین‌باف شهر که به بازار تجار ایرانی در استانبول مربوط می‌شود؛ همچنین چندین عکس از ویرانه‌های فعلی والده‌خانه و گورستان ایرانیان در استانبول.

با وجود این که در مجموعه مقالات ایرانیان استانبول سعی شده به ابعاد مهم تاریخچه حضور ایرانیان در این شهر پرداخته شود، اما به سبب محدودیت ارتباطات میزگرد و یا فقدان متخصصین، بخش‌هایی از موضوعات ناقص به نظر می‌رسد. در حوزه سیاسی، علیرغم تحقیق، مختصر حجت‌الله جودکی، مسأله انجمن ایرانیان استانبول - بویژه از لحاظ کارکردهای درونی انجمن و روابط آن با ایرانیان داخل و خارج از کشور<sup>۲۰</sup> هنوز در ابهام مانده است. (لازم به ذکر است که بندهایی از مقاله جان گرنی نیز به همین موضوع مربوط می‌شود). در مورد محتوای مطبوعات سیاسی فارسی، بویژه شمس و سروش می‌باید تحقیقات بیشتری صورت گیرد. از سوی دیگر، روابط علمای شیعه مقیم عراق و ایرانیان ساکن استانبول برای روشن شدن واکنش علمای مشروطه‌خواه در قبال فعالیت‌های ایرانیان ساکن امپراتوری عثمانی شایسته تحقیقی جداگانه است - بویژه مورد شیخ اسدالله ممقانی که سطوری از مقالات اریکا گلاسن و تینری زرکن به آن اختصاص یافته بود.<sup>۲۱</sup>

همچنین، تاریخ تشیع در ترکیه مسأله‌ای است که از قابلیت تحقیق و بحث مستقل برخوردار می‌باشد؛ بررسی مساجد شیعیان استانبول بویژه از دید متخصصین معماری می‌تواند پرتوی بر هنر شیعی بیفکند؛ رساله دین و ستون اثر شیخ اسدالله ممقانی که در استانبول نوشته شده شاید بتواند بخشی از مواضع علمای شیعه را نسبت به انقلاب و مشروطیت عیان سازد. وانگهی، سیاست پان اسلامی عبدالحمید دوم، هنوز به طور بسنده در مورد ایران و شیعیان عراق مورد توجه قرار نگرفته است (به استثنای مقاله‌ای که اخیراً از سلیم درنگیل به چاپ رسیده)<sup>۲۲</sup> علاوه بر این همه، از آنجا که اکثر ایرانیان ساکن برلن مدتی در استانبول سکونت داشته‌اند، مسأله ارتباط میان نشریات آنها در برلن، ایرانشهر و کاوه با محافل ایرانی استانبول، می‌تواند شایان توجه و بررسی جدی باشد.<sup>۲۳</sup> روزنامه حبل‌المتین بمبئی نیز حاکی از شدت علاقه ایرانیان هند نسبت به جنبش آزادی‌خواهانه مردم ایران است و نباید فراموش کرد که روزنامه‌های فارسی زبان استانبول هراز گاهی بخشی از مندرجات این روزنامه را به چاپ می‌رسانده‌اند.<sup>۲۴</sup> همچنین دانسته است که حبل‌المتین توجه خاصی نسبت به تبدلات فکری آزادیخواهان ایرانی و ترک داشته، و برای اولین بار به تقلید از واژه «ترکان جوان» به استفاده از اصطلاح «ایرانیان جوان» مبادرت کرده است.<sup>۲۵</sup> لازم است با توجه به جایگاهی که استانبول در ستون‌های حبل‌المتین یافته بود، پژوهشی در مورد تعاملات دوسویه ایرانیان هند و استانبول صورت گیرد.

انجمن سعادت تنها سازمانی نبود که زمینه را برای جامعه‌پذیری ایرانیان فراهم می‌کرد؛ انجمن دیگری با نام انجمن «زنان ایرانی» در استانبول وجود داشت و مقاله

## ایرانی‌های استانبول ضمن برخوررداری از امتیازات منحصر به فرد دیپلماتیک، از چنان منزلت اجتماعی‌ای برخوردار بودند که به جرات می‌توان جامعه بیگانه دیگری را همتای آنان دانست

### تنگ‌ناری «ایرانیان استانبول» به سان منشوری می‌ماند که می‌توان با دقت در آن پرتوهایی رنگارنگ و جالب از نقش و تکاپوهای یک جامعه مهاجر زنده و سیال بوجود آورد و در چشم و ذهن پروراند



کوتاهی در مجموعه ایرانیان استانبول، به نوشته بینا کا مارایا اسکارسیا - آمورتی، به همین موضوع اختصاص یافته است - «بانوان ایرانی قسطنطنیه»<sup>۲۶</sup>

در صورت دستیابی به اسناد موجود در آرشیوها، شاید بتوان مقاله یا پژوهش مستقل را به موقوفات مدرسه و بیمارستان ایرانیان، و نیز قهوه‌خانه آذری و ایرانی استانبول اختصاص داد (در مقاله فرانسوا ژورژون زیر عنوان «قهوه‌خانه در استانبول در سده ۱۹ میلادی»<sup>۲۷</sup> اشاراتی به قهوه‌خانه علی‌اکبر، واقع در قوم‌قایی، که متعلق به ایرانی‌ها بوده، می‌شود).

یک مقوله مهم دیگر، تحول زبان گفتار و نوشتار در میان آن دسته از ایرانیانی است که طی چند نسل در استانبول و امپراتوری عثمانی با ترک‌ها حشر و نشر داشته‌اند؛ تحولی که تقی‌زاده در مجله کاوه یک مقاله کامل را به آن اختصاص داد و از فارسی ناسره به عنوان فارسی والده خانه یاد می‌کرد.<sup>۲۸</sup> در همین زمینه، لازم است در مورد حسین دانش که به عنوان یک شخصیت ادبی و اگر نه سیاسی، که هنوز ناشناخته مانده پژوهشی صورت گیرد. همچنین، باید از چاپخانه‌های فارسی استانبول یاد کرد که به قول شاعر ترک، احمد راسم «مامورین سختکوش آزادی ایران» بودند، در مورد نقش تجارت تنباکوی ایرانی، کتابهای چاپ‌شده ایرانی و چاپخانه والده خانه که به چاپ «اوراق مضره» شهرت یافته بود در چاپ و نشر آثار فارسی کارهای بسیاری هست که هنوز چشم براه محققان مانده‌اند.<sup>۲۹</sup>

پی نوشت‌ها:

1- Les Iraniens d'Istanbul, eds. Thierry Zarcone et Fariba Zarinebaf - Shahr, IFEA/IFRI, Istanbul - Téhéran, 1993.

۲- برای مشاهده متن قراردادهای ایران و عثمانی یا قدرت‌های اروپایی در فاصله ۱۷۴۷ تا ۱۹۰۸ میلادی، ر.ک. به:

Hurewitz, J.C. The Middle East and North Africa in World Politics: A Documentary Record, New Heaven, Yale University Press, 1975.

۳- برای نمونه ر.ک. به این سه مقاله سرشار از اطلاعات:

Raccagni, Michelle: "The French Economic Interests in the Ottoman Empire", in International Journal of Middle East Studies, Vol. 11, (1980), pp. 339 - 376.

Quataert, Donald: "Dilemma of Development: The Agricultural Bank and Agricultural Reform in Ottoman Empire, 1888 - 1908", in International Journal of Middle East Studies, Vol.6 (1975), No. 1, pp. 210 - 227.

Shaw, stanford. J.: "Selim III and the Ottoman Novy", dans Turcica Revue d'Etudes Turques, Tome I, 1969, pp. 212 - 241.

۴- در مورد این دغدغه‌ها ر.ک. به: ابوالحسن میرزا قاجار (شیخ‌الرییس)، اتحاد اسلام، تصحیح سید صادق سجادی، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۳ خورشیدی.

۵- به عنوان مثال، در مورد محبوبیت روزنامه‌ی اختر، سرهنگ سی. ای. بیت، نماینده فرمانداری کل هندوستان در بلوچستان که ضمیمه گزارش کابینگم گرین، متصدی امور سفارت بریتانیا در ایران در سال ۱۸۹۴، گزارشی به لرد کیمبرلی وزیر امور هند ارسال کرده است، می‌نویسد: «این جریده به طور هفتگی در قسطنطنیه چاپ می‌شود و در ایران و آسیای مرکزی وسیعاً منتشر می‌گردد. در واقع... دایرة انتشار این جریده بیش از همه است و از هر جریده فارسی دیگر، چه در تهران، چه در اصفهان و چه در بمبئی مقبول‌تر است. [خودم] دیدم که حاکم هرات آن را می‌خواند و مانند بسیاری دیگر آن را مرتباً دریافت می‌کند و عقایدش بر مبنای مندرجات این روزنامه مبتنی است؛ احساس عمومی ایرانیان این است که هر آن چه در اختر نوشته می‌شود، حقیقت دارد».

Fo. 539/68, quoted in Keddie, Nikki. R: Religion and Rebellion in Iran: The Tobacco Pretest of 1891 - 1892, London, 1966, pp. 160- 2.

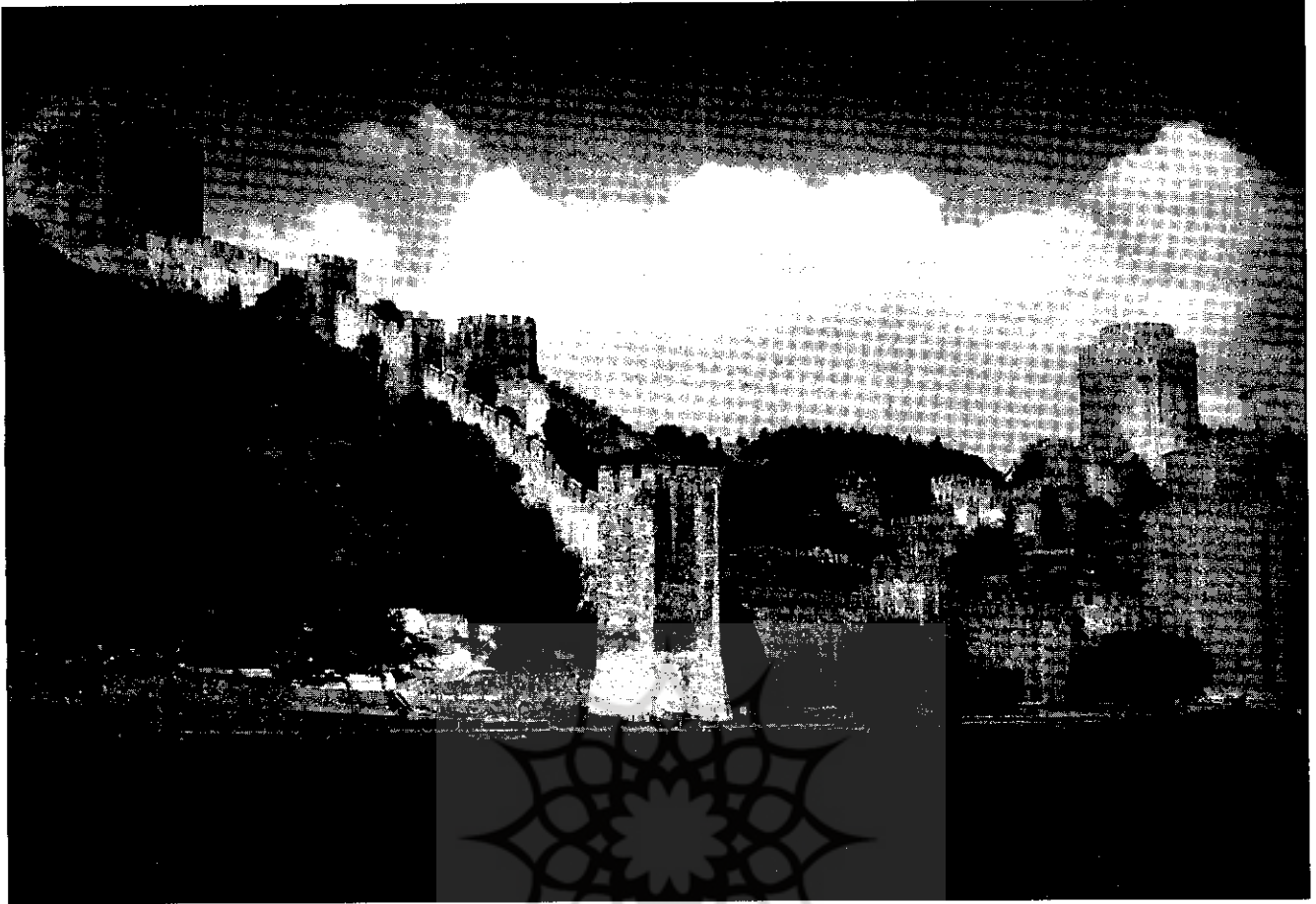
۶- به عنوان نمونه، تقی‌زاده در حدود اوایل سال ۱۳۲۲ قمری/ ۱۹۰۴ میلادی به همراه دوست خود محمدعلی تربیت از طریق جلقا و ایروان به تفریس می‌روند سپس راهی استانبول می‌شوند و ۶ ماه در این شهر می‌مانند، تقی‌زاده در این باره می‌نویسد «ایرانی‌ها در والده خانی حجره و تجارتخانه و منزل داشتند... در طرفی که ایرانی‌ها بودند، اتاقی گرفتیم. زمان سلطان عبدالحمید بود که نفس نمی‌شد کشید. من شوق زیادی به کتاب داشتم. صبح و شام از پیش کتابفروش‌ها کتاب امانت می‌گرفتم و می‌خواندم. کتابفروشی بود که کتابهای ممنوع داشت. اقلأ صد کتاب به من داد. از کتابهای تامق کمال و رمان و تئاتر و غیره... ر.ک. به سیدحسن تقی‌زاده، زندگی حطوفانی، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۶۸، صص ۴ - ۴۳.

۷- دبستان ایرانیان که در حدود ربیع‌الآخر ۱۳۰۱ قمری تأسیس شد و افرادی چون میرزا حبیب اصفهانی، میرزا آقاخان کرمانی، مهدی اختر، حسین دانش، شیخ‌الرییس قاجار و وزیرتعال افندی و... در آن تدریس می‌کرده‌اند.

۸- در این مورد رجوع شود به مقاله یوهان اشتراوس «حضور سیاسی ایرانیان در استانبول و سایر نقاط امپراتوری عثمانی» (۱۹۰۸ - ۱۸۴۸)

9- E. E. Ramsour: Young Turks: The Prelude to the 1908 Revolution, Princeton (U. S. A), 1957.

10- Chelkowsky, peter: "Edward. G. Brown's



استانبول - بقایای حصار روملی

ایرانی به نگارش درآورده که اساساً بر اسناد شخصی امین‌الضرب متکی است: بازرگانان در دادوستد با بانک شاهی و رژی تنباکو، خااوران، پاریس، ۱۹۹۲/۱۳۷۱؛ و نیز می‌توان به مجموعه نامه‌های میرزا آقاخان کرمانی و طاهر تبریزی به ملوک‌خان اشاره کرد که توسط هما ناطق وم، فیروز به چاپ رسیده است: نامه‌های تبعید، خاوران، پاریس، ۱۳۶۸ / ۱۹۸۹.

23- L'Iran dans deux Juurnaux ottomans: Beyân ül - Hak et Tanin (1908 - 1912).

۲۴- برای آگاهی بیشتر از زندگی و آراء این روشنفکر ترک که قبل از پذیرش تابعیت عثمانی، تابع ایران و متولد شوشه قزاق (۱۸۹۶ میلادی) بود و نیز تحصیلات و دیدگاه‌های او در مورد ایران طی دوره تحصیل در دانشگاه سوربن، ر. ک. به: «احمدآقا اوغلو در فرانسه: سراغاز فعالیت‌های یک روشنفکر آذربایجانی» در گفتار در تاریخ معاصر، ترجمه و تدوین کاوه بیات، صص ۲۶ - ۵، تهران، نشر شیرازه، ۱۳۷۷ خورشیدی. و نیز ر. ک. به: ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، تألیف رحیم رئیس‌نیا، ۳ مجلد، جلد دوم، صص ۲۰۶ - ۳۰۱ (تبریز، ۱۳۷۴).

25- L'Iran vu par un Intellectuel turc au début du siècle.

26- L'Anjoman - e Sa šdat des Iraniens d'Istanbul

27- La situation du chi'isme Istanbul a la fin du XIX<sup>e</sup> et au début du XX<sup>e</sup> siècle

در این مورد، ر. ک. به مقالات دیگری از همین نویسنده، از جمله: Zarcone, Thierry: "un regard sur les lieux de culte chiite a Istanbul (fin d' Empire ottoman - époque contemporaine)in observatoire Urbain d'Istanbul; Lettreset information, éd. L. Ammour, 1992, pp. 10 - 12.



d'Istanbul dans la processus de moden

18- La presence diplomatique iranienne a Istanbul et dans les provinces de L'Empire ottoman (1848 - 1908)

19- Participation by Iranian Diplomats in the Masonic Lodges of Istanbul

۲۰- در این مورد، نباید از رجوع به این دو اثر بسیار مهم نیز غفلت کرد

حائری، عبدالهادی: تاریخ جنبشها و تکاپوهای فراماسونگری در کشورهای اسلامی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸ خورشیدی.

Kedourie. Elie: Young Turks, Freemasons and Yews, in Middle Eastern Studies, Vol. 7 (January 1971), pp. 89 - 104.

21- Mirzā Āqā Khān , sayyed Jamāl al - Din et Malkom Khān a Istanbul (1860 - 1897)

۲۲- لازم به ذکر است که خانم ناطق اخیراً کتابی در مورد تبار

"Turkish connexion" in Bulletin of the School of Oriental and African studies, Vol. XLIX/1 (1986), pp. 25- 34.

11- Taqizāda, Hasan: "The Background of the Constitutional Movement in Azerbaijan", in Middle East Journal, XIV (1960), pp. 456 - 465. لازم به ذکر است همین مقاله با عنوان «تهیه مقدمات مشروطیت در آذربایجان» در جلد اول مقالات تقی‌زاده، صفحه ۲۷۹ به بعد به زبان فارسی موجود است.

12- Berengian, sakina: Azeri and persian litterary works in Twentieth Century Iranion Azerbaijan, Klaus Schwarz Verlag, Berlin, 1988.

13- Iran Vā Turkiya; Tarih Masalalari, Azerbaycan CCP Elmār Akademiyasi, Sharkshmaslig Institutusu, Baku, 1986.

14- Luesink, Anja: The Iranian press in Egypt (1892 - 1910), Master thesise, University of Utrecht, Netherland, 1991.

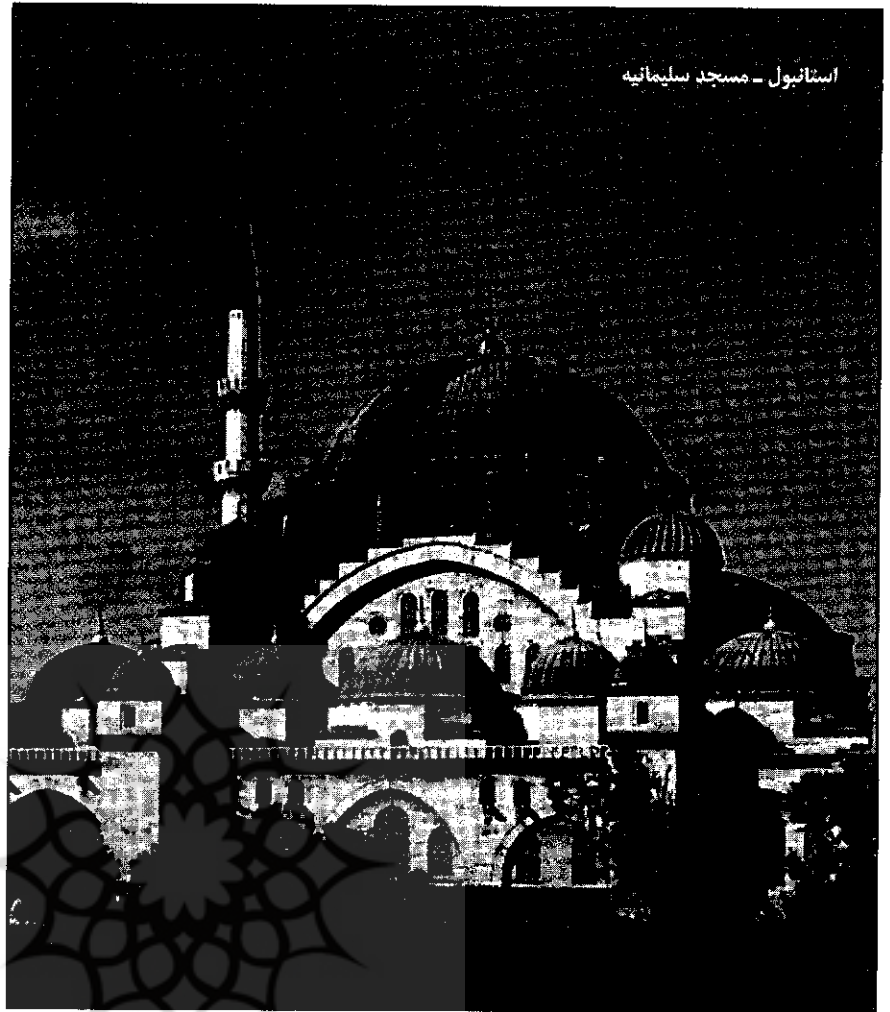
15- Pistor Hatam, Anja: Iran Und die Reformbewegung im Osmanischen Riech, Klaus Schwarz Verlag, Berlin, 1992.

۱۶- علاوه بر اثر یاد شده، می‌توان از یک مقاله دیگر به قلم وی یاد کرد که در پیوند با مباحث ایرانیان استانبول است:

Zarcone. Thierry: "une source pour l' histoire de la Revelution Iranienne de 1905 - 1911 et de la comunnaute iranienne d'Istanbul: le Journal shams (août 1908 - Juillet 1909)" in Toplumilim (Istanbul) 1, Eglul (september) 1992, pp. 54 - 66.

17- Le RÔle de la comunnaute iranienne





با وجود اینکه در مجموعه مقالات «ایرانیان استانبول» سعی شده به ابعاد مهم تاریخی حضور ایرانیان در این شهر پرداخته شود، اما به سبب محدودیت ارتباطات میزگرد و یا فقدان متخصصین، بخش‌هایی از موضوعات ناقص به نظر می‌رسد

حبل‌المتین (در بمبئی) توجه خاصی نسبت به تبادلات فکری آزادخواهان ایرانی و ترک داشته و برای اولین بار به تقلید از واژه «ترکان جوان» به استفاده از اصطلاح «ایرانیان جوان» مبادرت کرده است

theseis, university of washington, 1977, unpublished.

عباس میلانی: «مجله کاوه و مسأله تجدد» در تجدد ستیزی در ایران، صص ۱۹۳ - ۱۷۳، نشر آتیه، تهران، ۱۳۷۸ خورشیدی. ۴۳- شمس، شماره‌های ۱، ۲، ۳، سروش، شماره ۱۷. ۴۵- ر.ک. به:

Revue du Monde Musulman, VII, 3, 1909, P. 336; IX, 10, 1909, p. 344; "Le Habl oul - Matin de calcutta" dane Revue du Monde Musulman, X, 3, 1910, pp. 442 - 444.

46- Les dame persanes d'Istanbul.

47- Dans Études turques et ottomanes, Le Café et les cafés a Istanbul XVI<sup>e</sup> - XIX<sup>e</sup> siècle, Institut d'Études Turques, paris / EHESS, 1, mars 1992, p. 20.

۴۸- «مأخذ فارسی فصیح و فارسی خانی والده»، کاوه، سال ۵، شماره ۱۲، ۱۳ دسامبر ۱۹۲۰، صص ۳-۵. نیز ر.ک. به تحلیل سکیته برنجیان در:

Azeri and persian Literary works in Twentieth century Iranian Azerbaijan, op. cit. pp. 66- 72.

49- "Les Livres et Limprimerie a Istanbul (1800 - 1908)" dans Turquie, Lires d'aujourd'hui, (éd. p. Dumont), Université des science Humaines de Strasbourg / Edition Isis, Strasbourg - Istanbul, pp. 1, 11, 13, 14, note 35.

همچنین ر.ک. به: ریاحی، محمدامین: زبان و ادب فارسی در قمر و عثمانی، پازنگ، تهران، ۱۳۶۹، صص ۲۶۱ - ۲۵۱.

۴۰- در مورد این انجمن، ر.ک. به:

"Anjomán - e sa'âdat" de H. Algar dans L'Encyclopaedia Iranica, II, 1, p. 89.

۴۱- در مورد علمای شیعی عراق، ر.ک. به:

Luizard, pierre - yean: La formation de l'Irak Contemporain. Le rôle politique des ulémas chiites a la fin de la domination ottomane et au moment de la construction de l'État Irakien, Edition du CNRS, paris, 1991.

42- "The struggle against shiism in Hamidian Iraq. A study in ottoman Counter - propaganda", Die weit des Islam, XXX, 1990, pp. 45 - 62.

در مورد سیاستهای پان اسلامی نیز ر.ک. به:

Keddie, Nikki, R: The pan - Islamic Appeal: Afghani and Abdulhamid II, in Middle Eastern studies, october 1967, Vol. 4, pp. 46 - 67.

Landau, Jacob, M: The politics of pan - Islam: Ideology and Organization, Clarendon press, Oxford (UK), 1990.

۴۳- ر.ک. به: حسین کاظم‌زاده، «معارف در عثمانی»، ایرانشهر، سال ۳، شماره ۳، ۱۹ جمادی‌الآخر ۱۳۳۳ / ۱۶ ژانویه ۱۹۲۴، صص ۱۴۱ - ۱۲۹.

Gholamreza Vatandoust: seyeyd Hasan Taqizadeh and Kavah: Modernism in postconstitutional Iran (1916 - 1921), ph. D.

28- Muharram Ceremonies (Azádári) in Istanbul at the end of the 19th and the beginning of the 20th centuries.

29- Littérature persane en diaspora: Istanbul, 1865 - 1895.

30 - Quel critère de choix dans la traduction persane du Hájjí Bábâ .

31- E. G. Brown and the Iranian Community of Istanbul.

32- The Persian newspaper Akhtar as a transmitter of ottoman political ideas.

33- Akhtar, Journal Persan d'Istanbul.

34- Ali Akbar Dihkhudâ a Istanbul et le Journal surûsh.

35- The Iranian Merchant Cairo at the Turn of the Century.

36- The Iranian Community in Community in the ottoman Empire and the Constitutional Revolution

37- Istanbul and the Carpet Trade of Iran since the 1870's.

38- L'affaire de Tahtakale: relations de La Communauté persane d'Istanbul avec les autorités ottomanes.

39- Les Jours de Muharram a Istanbul.